

۱۴۸۶

جورج اورول

مترجم : میترا عرفانیان

سرشناسه

اورول، جورج، ۱۹۰۳ - ۱۹۵۰ م.

Orwell, George

عنوان و نام پدیدآور

۱۹۸۴ / نویسنده جورج اورل؛ مترجم میترا عرفانیان؛ ویراستار سپیده کوشش.

مشخصات نشر

مشهد: آوای رعنا، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری

۳۰۲ ص؛ ۱۴×۲۱ س.م.

شابک

978-600-7725-21-4

وضعیت فهرست نویسی

فیا

یادداشت

عنوان اصلی: 1984

یادداشت

کتاب حاضر توسط مترجمان و ناشران متفاوت در سالهای مختلف منتشر شده است.

عنوان گسترده

هزار و نهصد و هشتاد و چهار.

موضوع

داستان‌های انگلیسی -- قرن ۲۰ م.

موضوع

English fiction -- 20th century

شناسه افزوده

عرفان: میترا، ۱۳۴۳ - مترجم

شناسه افزوده

دانش سپیده، ۱۳۴۷ - ویراستار

رده بندی کنگره

Z۹۷۳۰۰۱۰۹۷۳ / ۸۷۳۱الف

رده بندی دیویی

۱۱۲/۸۲۳

شماره کتابشناسی ملی

۵۱۰۵۲۴۴

انتشارات آوای رعنا

۱۹۸۴

نویسنده: جورج اورول

مترجم: میترا عرفانیان

ویراستار: سپیده کوشش

نوبت چاپ: اول/ بهار ۱۳۹۷

چاپخانه: دقت

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۷۲۵-۲۱-۴

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

مقدمه

بدون دانستن و آگاهی داشتن از شرایط اجتماعی و خانوادگی ای که یک نویسنده در آن رشد یافته نمی توان به شناخت انگیزه های او دست یافت.

دورانی که شخص در آن زندگی می کند خصوصاً اگر در دورانی متلاطم و انقلاب خیز باشد می تواند درانتخاب سوژه و نوع نگرش و نگرش نویسنده تأثیر بسزا و تعیین کننده ای داشته باشد.

به همین دلیل و برای آشنایی بیشتر با انگیزه ی این نویسنده برای نگارش کتابها این شرح حال مختصری از زندگی او در اختیار خوانندگان عزیز قرار می دهیم.

جورج اورل در سال ۱۳۰۳ در ریک بلبر در خانواده ی متوسط به دنیا آمد. او از بین سه فرزند کاهن ده، فرزند دوم بود. تا هشت سالگی پدر را به ندرت می دید و کمی منزوی بود. به همین دلیل رفتارهای ناخوشایندی از او سر می زد که باعث دل زدگی اطرافیانش می شد.

پدر جورج در هندوستان کار می کرد و برای ایجا شرایط تحصیلی بهتر او را به اتون فرستاد تا در یکی از گران ترین مدارس ایالتی پسرانه آن زمان بریتانیا تحصیل کند. ولی او به جای رفتن به دانشگاه به گروه پلیس ملحق شد و برای مدت پنج سال به برمه فرستاده شد که این سفر دست مایه کتابی با عنوان «روزهای برمه» گردید که در سی سالگی به رشته تحریر درآمد.

یک حس همدلی و همدردی او را به سوی اروپا سوق داد. به اطراف بریتانیا و فرانسه سفر می کرد و در میان گروههای فقیر جامعه، در خیابانها زندگی می کرد تا درد و رنج آنها را احساس کند. سپس به سوی خانواده بازگشت و با نام جورج اورل شروع به نویسندگی کرد. او این شعرش را در پنج سالگی سرود. شعری درباره ی «بیر» یازده ساله بود که با شروع جنگ جهانی اول بهانه ای شد برای شروع یک شعر میهنی که در روزنامه ای محلی به چاپ رسید. سپس شعر دیگری در مرگ گیچنر سرود. بزرگتر که شد شعرهای ناتمام و بارها بیعت می سرود. دو بار دست به نوشتن داستان کوتاه زد و این بار شکست مواجه شد. البته در تمام مدت سرگرم فعالیتهای ادبی بود. ابتدا تولیدات سفارشی را با سرعت و سهولت و بدون لذت به ویرجینی آورد. اشعار نیمه فکاهی را با سرعت می نوشت. در چهارده سالگی نمایشنامه ای موزون را به تقلید از آریستوفان در مدت یک هفته به دست تحریر درآورد. در ویراستاری روزنامه های دیواری کمک می کرد. در خلال نویسندگی سالها به عنوان معلم در مدارس خصوصی تدریس رانندگی هم در کتابفروشی کار می کرد اما مهم ترین کار او نوشتن بود.

آن سالها باعث شدند تا او جایگاهش را در نوشتن کتابهایش پیدا کند. او تا آخر عمر به صورت مستقیم و غیرمستقیم علیه نظام می نوشت. کتاب «گرامیداشت کاتالونیا»^۱ را در خلال سنگ های اسپانیا نوشت. جورج در اسپانیا از ناحیه گردن زخمی شد و به

انگلستان بازگشت. در آن سالها تلاش فراوانی نمود تا نوشته های سیاسی اش را در قالبی قرار دهد تا حس بی عدالتی را به صورتی زیبا بنگارد. در طی جنگ جهانی دوم به عنوان تهیه کننده در بی بی سی مشغول به کار شد. برنامه هایی از هندوستان و جنوب شرقی آسیا می ساخت. همچنین مدیر یک کتابفروشی بود که اخبار مداومی از مسائل سیاسی روز در آنجا مطرح می شد.

در طی همان سال ها بود که به فکر نوشتن کتاب «۱۹۸۴» افتاد.

(قبل از شروع انتشاره حیوانات که در سال ۱۹۴۵ منتشر شد.) خود اومی گوید:

«هنگامی که به نوشتن کتاب دست می یازم به خود نمی گویم در حال خلق یک اثر هنری هستم. کتاب می نویسم چرا که دروغی هست که من می خواهم برملاش کنم و یا واقعیتهایی که می خواهم توجه دیگران را به آن معطوف سازم. اثر خوب به شیشه های پنجره می ماند که انگیزه های قوی تر را بهر نشان می دهد. وقتی به کارهایم فکر می کنم می بینم آنجا که مافوق سیاسی بوده ام، بی چون و چرا کتابهایی بی روح نوشته ام و از نظر حملات رنگین استفاده کرده ام. جملاتی بی معنا، صفاتی تزئینی و در کارهایم اشتباهی و گزاف».